

آمریکا، اروپا و «خاورمیانه نوین»

محمود موسوی^۱

چکیده

آمریکا پس از فروپاشی اتحاد شوروی، همواره به دنبال تثبیت رهبری جهانی بوده است. کاخ سفید با ارائه طرح‌های متعدد از سال ۱۹۹۰، یعنی زمانیکه آمریکاییان احساس کردند می‌توانند به‌طور یک‌جانبه، مسائل مورد نظر خود را به نتیجه دلخواه برسانند و نیز از زمان مطرح شدن طرح نظم نوین جهانی بوش پدر که قسمتی از آن اصلاحات سیاسی در برخی از مناطق خاورمیانه را دربرمی‌گرفت، به دنبال اهداف درازمدت خود در خاورمیانه بوده‌اند. طرح «خاورمیانه بزرگ» هم که اخیراً از سوی مقامات آمریکایی مورد تاکید قرار گرفته، در واقع، ارائه همان برنامه‌ریزی این کشور برای ایجاد تغییرات بنیادین و فراگیر در درازمدت در منطقه خاورمیانه در چارچوب استانداردها و معیارهای آمریکایی است. در همسویی اروپا و آمریکا برای ایجاد اصلاحات در منطقه خاورمیانه شکی نیست، اما اروپا خواهان تحولات آرام است بدین طریق که کشورهای ترکیه و ایران را به‌عنوان اولویت نخست خود قرار داده و کشورهای عربی و عراق را که تحت نفوذ آمریکا هستند، در مرحله بعد جای داده است، در صورتی که آمریکا در طرح خاورمیانه بزرگ در واقع خواهان در اختیار گرفتن کل منطقه خاورمیانه است. این طرح، سه کمبود اصلی را در کشورهای خاورمیانه مطرح کرده و مدعی است که باید این نارسایی‌ها را جبران کرد. این کمبودها عبارتند از: انواع آزادی‌های اساسی، آموزش و حقوق زنان. آمریکا از این طرح سه هدف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را دنبال می‌کند که هر کدام زیرمجموعه مربوط به خود را دارند. لیکن به‌طور کلی می‌توان گفت که هدف آمریکا از این طرح مشروعیت بخشیدن به رژیم صهیونیستی و کنترل و تحت فشار قرار دادن کشورهای مستقل منطقه نظیر ایران می‌باشد.

مقدمه

طی سال‌های اخیر، رهبران آمریکا تلاش کرده‌اند که با ارائه و اجرای طرح‌های فراگیر ساختار عینی و ذهنی، خاورمیانه را دچار تحول کنند. پس از حوادث ۱۱ سپتامبر، آمریکا به افغانستان و عراق حمله کرد و هم‌اکنون، به‌طور مداوم، سوریه و ایران را تهدید می‌کند و در شعله‌ور ساختن فتنه میان کشور مصر و عربستان تلاش به‌عمل می‌آورد. طرح «خاورمیانه بزرگ» هم که اخیراً از سوی مقامات آمریکایی مورد تأکید قرار گرفته، در واقع، ارائه همان برنامه‌ریزی این کشور برای ایجاد تغییرات بنیادین و فراگیر در درازمدت در منطقه خاورمیانه در چارچوب استانداردها و معیارهای آمریکایی است. آمریکا طرح پیشنهادی جدید خود را در اختیار هفت کشور بزرگ صنعتی جهان نیز قرار داده است. در همسویی اروپا و آمریکا برای ایجاد اصلاحات در منطقه خاورمیانه شکی نیست، اما اروپا خواهان تحولات آرام است بدین طریق که کشورهای ترکیه و ایران را به‌عنوان اولویت نخست خود قرار داده و کشورهای عربی و عراق را که تحت نفوذ آمریکا هستند، در مرحله بعد جای داده است، در صورتی که آمریکا در طرح خاورمیانه بزرگ در واقع خواهان در اختیار گرفتن کل منطقه خاورمیانه است.

طبق اظهارات مقامات کاخ سفید، این مرزها، منطقه‌ای را تحت پوشش خود قرار می‌دهد که مجموعاً ۲۲ کشور عربی به‌علاوه چهار کشور ایران، اسرائیل، ترکیه و افغانستان را شامل می‌شود که البته تحقق این هدف نیاز به نیم قرن زمان دارد. با این حال، آمریکا ضمن پیشبرد اهداف خود در این طرح راهکارهایی را برگزیده است که به بررسی این طرح و اهداف و اشنگتن پرداخته خواهد شد.

طرح خاورمیانه بزرگ:

طرح جدید خاورمیانه بزرگ ابتدا توسط «دونالد رامسفلد» وزیر دفاع آمریکا در جلسه وزیر دفاع کشورهای اروپایی در «مونخ» مطرح شد و مدتی بعد نیز «دیک

چنی «معاون رئیس جمهوری ایالات متحده، آن را در کنفرانس اقتصادی «داووس» مطرح کرد و سرانجام مقامات کاخ سفید طرح خاورمیانه را جهت «حفظ منافع آمریکا و هم‌پیمانان آن» ارائه کردند.

در نهایت، جورج بوش رئیس جمهوری آمریکا، جهت اجرای این طرح، کاخ سفید را نیازمند پشتیبانی و حمایت اروپا و کمک اسرائیل برای برقراری دموکراسی و مدرنیته در جهان عرب دانست.

این برنامه، سه کمبود اصلی را در کشورهای خاورمیانه مطرح کرده و مدعی است که باید این نارسایی‌ها را جبران کرد.

این کمبودها عبارتند از: انواع آزادی‌های اساسی، آموزش و حقوق زنان، بانیان این طرح معتقدند که به منظور رفع این کمبودها و نارسایی‌ها باید اقداماتی را در مجموعه این کشورها به عمل آورد که عبارتند از: انتخابات آزاد با کمک‌های فنی و نظارت خارجی، تشکیل سازمان‌های غیردولتی واقعا مستقل از قدرت‌های حاکمه همراه با تامین مالی مجاز جامعه بین‌المللی، اجرای یک سیاست ارتقا و شکوفایی حقوق زنان تحت کنترل بین‌المللی، به گونه‌ای که زنان بتوانند در انتخابات نامزد شوند، تلاش مستمر توأم با همکاری جامعه بین‌المللی به منظور مبارزه با انواع فساد، انتقال بخش قابل توجهی از بودجه‌های نظامی بر بخش آموزش با هدف کاهش ۵۰ درصدی بی‌سوادی در منطقه تا سال ۲۰۱۰، تشکیل بانک توسعه خاورمیانه بزرگ از روی الگوی بانک توسعه و بازسازی اروپا که منابع آن به‌طور عمده توسط کشورهای نفت‌خیز تامین می‌شود و بالاخره، برنامه اصلاحات گسترده ارتش‌های ملی تحت هدایت ناتو با هدف افزایش کارآیی آنها برای مقابله با تروریسم [۱].

بخش اول:

اهداف آمریکا از طرح جدید خاورمیانه بزرگ:

- اهداف سیاسی:

الف - مشروعیت و مشارکت رژیم صهیونیستی در منطقه خاورمیانه:

آمریکا قبل از طرح خاورمیانه بزرگ، طرحی تحت عنوان کورانت Quartet (چهارتایی) را بنیان نهاد که متشکل از ایالات متحده آمریکا، اتحادیه اروپا، روسیه و سازمان ملل متحد برای صلح خاورمیانه بود و منجر به نقشه راه "Map Way" شد. در ادامه این روند بوش در ماه ژوئن ۲۰۰۳ به «عقبه» (در اردن) رفت تا طرفین (فلسطین و رژیم صهیونیستی) را ملزم به اجرای نقشه راه کند. اما به دلیل سیاست مشت آهنین «آریل شارون»، طرح نقشه راه به طور یک طرفه توسط اسرائیل لغو شد. بهانه اسرائیل هم این بود که تروریسم با صلح ریشه کن نمی شود و باید با سرکوب فلسطینی ها، امنیت خاورمیانه تامین شود.

از طرف دیگر، آمریکاییان گمان می کردند که امنیت عراق پس از شش ماه تامین می شود، اما انفجارهای مکرر و کشتار نظامیان آمریکایی دال بر این بود که اینان قادر به تامین امنیت نیستند. بنابراین آمریکا با طرح خاورمیانه بزرگ قصد دارد امنیت عراق را به امنیت فلسطین اشغالی پیوند دهد. در این راه، واشنگتن درصدد است رژیم صهیونیستی را در طرح خاورمیانه بزرگ مشارکت دهد تا کشورهای عربی منطقه جهت رفع این ناامنی، به سوی مشارکت در طرح خاورمیانه بزرگ حرکت کنند [۱].

ب - پیگیری الگوی مشارکت گرایی در تامین امنیت:

ناکامی آشکاری در کاربرد عملیات نظامی علیه تروریسم بین الملل که در اواخر سال از جانب آمریکا پیشنهاد شد و در مورد افغانستان و عراق به اجرا درآمد، دیده می شود. تهدید نامتقارن که توسط تروریست های القاعده و فداییان صدام علیه

ارتش آمریکا صورت می‌گیرد، امنیت را در عراق و افغانستان با مشکل روبرو کرده است، به طوری که آمریکا به تدریج وارد یک جنگ فرسایشی در این کشور می‌شود. از این رو، آمریکا می‌خواهد با مشارکت اروپا و کشورهای منطقه‌ای، امنیت عراق را به امنیت منطقه خاورمیانه یا به اصطلاح خودشان، امنیت خاورمیانه بزرگ پیونددهد تا گرفتار جنگ فرسایشی و هزینه‌های بالای نظامی نشود. لذا گزینه مشارکت نظامی ناتو جهت برقراری امنیت خاورمیانه بزرگ، مدنظر ایالات متحده آمریکا است.

ج - تحت فشار قرار دادن جمهوری اسلامی ایران:

همان‌گونه که از مفاد این طرح برمی‌آید، کشورهای منطقه باید تغییرات اساسی در نظام سیاسی، اجتماعی، آموزشی و اقتصادی خود به وجود آورند و لذا ایران هم از این طرح مستثنی نیست.

بنابراین، آمریکا سعی خواهد کرد که به عناوین مختلف مانند: طرح بحث حقوق بشر، دموکراسی، پروتکل الحاقی و فعالیت‌های هسته‌ای ایران با موضع‌گیری علیه جمهوری اسلامی ایران و فشار از خارج، تهران را وادار به تغییر رفتار و اصلاحات در ساختار سیاسی به روش آمریکایی کند [۱].

- اهداف اجتماعی و فرهنگی:

کاخ سفید معتقد است نیروی انسانی ماهر موتور محرکه توسعه محسوب می‌شود و بر همین اساس، تلاش‌های خود را به منظور کاهش بی‌سوادی و گسترش فرصت‌های آموزش و فراگیری به‌ویژه میان دختران متمرکز می‌کند. که در این زمینه می‌توان آموزش برای همه و آزادی بیان، مساوات، برابری میان زنان و مردان علاوه بر دستیابی به فناوری اطلاعاتی جهانی که از اهمیت حیاتی و جدی برای نوسازی (مدرنیته) و رفاه برخوردار است را نام برد.

در ضمن، ساختار آموزش و پرورش آمریکا هم سعی دارد با اعمال فشار به کشورهای عربی و اسلامی مفاهیم و واژه‌هایی چون مبارزه برای آزادی سرزمین و جهاد اسلامی را از برنامه‌های درسی دانش آموزان حذف کند و معتقد است تروریسم و خشونت زائیده عدم رشد فرهنگی و اجتماعی در جوامع است [۱].

همچنین مقامات کاخ سفید معتقد به تقویت رسانه‌های مستقل، اعم از مطبوعات، رادیو و تلویزیون خصوصی و مستقل به نوعی که بتواند حرف خود را خارج از حیطه قدرت دولت‌ها بیان کند، هستند.

با این حال، آمریکا در زمینه اجتماعی و فرهنگی، راهکارهای زیر را برگزیده است:

الف - ازمیان برداشتن اعتقادات دینی و مذهبی در کشورهای اسلامی:

برقراری دموکراسی و بهبود توسعه اقتصاد نمی‌تواند هدف واقعی آمریکا باشد، زیرا برقراری دموکراسی سبب روی کار آمدن نیروهای مخالف واشنگتن، یعنی جریان‌های اسلامی در اکثر کشورهای منطقه خواهد شد و همچنین با توجه به نگرش دولتمردان آمریکا به جهان اسلام، تمایلی برای تبدیل منطقه به یک قدرت اقتصادی وجود ندارد. لذا هدف اصلی آمریکا مبارزه با شالوده‌های فرهنگی و دینی منطقه است که از دیدگاه آمریکاییان بستر رشد تروریسم در منطقه است [۲].

ب - تقویت جامعه مدنی:

تشویق کشورهای منطقه به ایجاد فضایی برای تاسیس سازمانهای مدنی غیردولتی که ایجاد ساختارهای دانشجویی مهم‌ترین آن است و همچنین دفاع از دموکراسی، حقوق بشر، رسانه‌های اصلاح طلب و سازمان مدافع حقوق زنان توسط کشورهای بزرگ و در ادامه، با اعمال فشار به کشورهای عربی و اسلامی سعی دارد مفاهیمی چون جهاد و مبارزه برای آزادی سرزمین‌های اسلامی را از برنامه‌های درسی دانش آموزان حذف کند [۳].

ج - ایجاد سازمان‌های آموزش امور مدیریتی و رهبری زنان:

تقویت نقش زنان در مجالس کشورهای عربی و حضور گسترده سیاسی و مدنی زنان در کشورهای خاورمیانه بزرگ به عنوان یکی از مهم‌ترین شاخص‌های اصلاحات در این کشورها به شمار آمده است.

د - حمایت از انتخابات آزاد:

براساس این طرح، در فاصله سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۶، کشورهای عرب حوزه جنوبی خلیج فارس و شمار دیگری از کشورها به آمریکا تعهد داده‌اند تا انتخاباتی آزاد در کشورهایشان برگزار کنند.

این درحالی است که آمریکا ابتدا قصد داشت با امنیت به دموکراسی برسد، اما با این طرح می‌خواهد با دموکراسی امنیت بیاورد و این پارادوکس در رسیدن به دموکراسی همچنان لاینحل مانده است [۱].

- اهداف اقتصادی:

گسترش فرصت‌های شغلی، ایجاد فضایی که بخش خصوصی بتواند فرصت‌های کاری را فراهم کند و تشویق تجارت منطقه‌ای میان کشورها از اولویت‌های رشد اقتصادی برای توسعه خاورمیانه بزرگ و شمال آفریقا خواهد بود.

مهم‌ترین هدف آمریکا از این طرح وارد کردن اسرائیل به فرایند تعاملات اقتصادی منطقه است، زیرا چنین منطقه‌ای موجب گسترش روابط تجاری اسرائیل با کشورهای منطقه خواهد شد و درنهایت، تنش میان کشورهای منطقه را کاهش خواهد داد. همچنین با طرح منطقه‌ای آزاد تجاری، خاورمیانه از نفوذ روزافزون اروپا از طریق گسترش همکاری تجاری با کشورهای منطقه جلوگیری می‌شود [۲].

طرح اروپا برای خاورمیانه بزرگ:

در زمینه سیاست‌های اروپا در قبال خاورمیانه می‌توان به: دیدارهای بی‌شمار رهبران اروپایی از کشورهای منطقه، همکاری در زمینه حل و فصل نسبی بحران هسته‌ای ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، دیدارهای هیئت‌هایی اروپایی از هند و پاکستان و افغانستان، نگرش‌های اتحادیه در مورد بحران عراق و سفر به سرزمین‌های اشغالی و مذاکره برای حل بحران اعراب و اسرائیل اشاره کرد.

در نهایت، با تلاش‌های گسترده اروپا برای مشارکت در طرح خاورمیانه بزرگ، آلمان و فرانسه طرحی را تحت عنوان «طرح مرحله‌ای مشارکت استراتژیک بین اتحادیه اروپا و کشورهای حوزه دریایی مدیترانه و خاورمیانه» مطرح کردند. نکات قابل توجهی در این طرح دیده می‌شود که به بررسی برخی از محورهای اساسی آن می‌پردازیم.

۱. حل بحران اعراب و اسرائیل:

پیش‌شرط هرگونه اصلاحات در خاورمیانه، پایان بخشیدن به مسئله فلسطین و رژیم صهیونیستی است.

در این زمینه، طرح اصلاحات، براساس نقشه راه جهت حل و فصل مسئله فوق مورد تاکید قرار گرفته است.

اروپاییان معتقدند مقدمه رسیدن به دموکراسی در میان کشورهای منطقه خصوصاً کشورهای عربی منوط به حل این بحران است و تازمانی که مردم این کشورها، اسرائیل را دشمن و تهدیدی علیه خود می‌دانند، از انجام هرگونه حرکتی خودداری خواهند کرد.

۲. تاکید بر همکاری با کشورهای منطقه از طریق دیپلماسی:

اروپاییان احساس کرده‌اند که انجام موفقیت‌آمیز هر طرح برای خاورمیانه باید با بهره‌گیری از رایزنی و ابزار دیپلماتیک و سیاست‌های نرم‌افزاری با کشورهای خاورمیانه باشد. به همین دلیل، در این طرح بر روی مشارکت با کشورهای منطقه تاکید شده است.

۳. اولویت‌دهی بر توسعه جامعه مدنی:

اروپا بیشتر در پی فشار از پایین از طریق ایجاد نهادهای مدنی با شعارهای قانون‌گرایی است.

۴. مقابله با تروریسم و خشونت سلاح‌های کشتار جمعی و مهاجرت غیرقانونی:

۵. تاثیرات عقب‌ماندگی فرهنگی و اقتصادی کشورهای منطقه بر امنیت اروپا: نگرانی بیشتر اروپا از مهاجرت بخش بزرگی از جوانان کشورهای عرب خصوصا به اروپا است.

۶. تلاش در جهت مشارکت سایر بازیگران:

در این زمینه، بر مشارکت سازمان ملل متحد، اتحادیه اروپا و گروه کشورهای صنعتی و همچنین مجموعه‌هایی که در میان خود این کشورها، نظیر شورای همکاری خلیج فارس یا اتحادیه عرب وجود دارد که مورد تاکید قرار گرفته است [] .

۷. تقدم صلح بر دموکراسی:.

اروپا به منظور برقراری امنیت در خاورمیانه خواهان استفاده از الگوی «مشارکت برای صلح» در منطقه خاورمیانه است، زیرا اعتقاد دارد صلح مقدم بر توسعه و دموکراسی است [] .

وجود تشابهات در طرح آمریکا و اروپا:

اتحادیه اروپا و آمریکا طی نشست اخیر خود در ایرلند حمایت خود را از اصلاحات سیاسی و اقتصادی در منطقه خاورمیانه اعلام کردند. اصلاحات در خاورمیانه برای موفقیت و ماندگاری باید از درون کشورهای این منطقه آغاز شود و نمی‌تواند از

خارج تحمیل شود. با این پیش فرض، هر دو طرف درصدد مشارکت با دولت‌ها و جامعه‌های مدنی و جوامع تجاری مایل به اصلاحات در این کشورها شدند [۱].

- هم آمریکا و هم اروپا معتقدند، هر کشوری شرایط منحصر به فرد خود را دارد و گوناگونی کشورها باید محترم شمرده شود. با وجود این، شرایط مشخص و ممتاز کشورها نباید دستاویزی برای جلوگیری از اجرای اصلاحات قرار گیرد.

- اروپا و آمریکا همچنین تعهد خود را مبنی بر حل و فصل مناقشه اعراب و اسرائیل مورد تاکید دوباره قرار دادند و خاطر نشان کردند که حل و فصل این مناقشه باید همراه با روند اصلاحات صورت گیرد، در این زمینه باید گفت: هم آمریکا و هم اروپا، هر دو، بر تامین امنیت اسرائیل تاکید دارند.

- هم در طرح اروپا و هم آمریکا، دیدگاه مشترکی در زمینه بحران عراق و برقراری یک رژیم تکثرگرا، دموکراتیک و فدرال در این کشور به چشم می خورد.

- هر دو طرح بر روی مسائلی همچون ترویج مبانی حقوق بشر، رسانه‌های گروهی آزاد، حقوق زنان، کنترل تسلیحات کشتار جمعی و مقوله تروریسم و تقویت نهادهای مدنی تاکید دارند.

- در هر دو طرح از ترکیه به عنوان الگوی یک کشور اسلامی یاد شده است و هر دو معتقدند که ابتکار خاورمیانه بزرگ در راستای روند انتقالی ترکیه برای کشورهای منطقه مطلوب است و ترکیه هم برای مشارکت در این روند با متحدان اروپایی همکاری و مشارکت می کند و در برقراری روابط با کشورهای منطقه هم موافق است. مقامات کاخ سفید معتقدند ترکیه نمونه بارز یک کشور اسلامی است که دارای حکومت لائیک است و همچنین گرایش عینی به غرب و تمایل پیوستن به اتحادیه اروپا را نیز دارد و در عین حال، از روابط نزدیکی با اسرائیل برخوردار است [۲].

دیدگاه کشورهای عربی در زمینه خاورمیانه بزرگ:

جهان عرب در قبال این طرح واکنش‌های متفاوتی را از خود بروز داده‌اند، مصر و عربستان و سوریه به دلیل عدم مشورت آمریکا با آنان، این طرح را ناکارآمد و برهم‌زننده امنیت منطقه قلمداد کردند و مخالفت شدید خود را با آنان اعلام کردند. در صورتی‌که، وزیر امور خارجه مصر «احمد ماهر» در یک کنفرانس مطبوعاتی پس از اجلاس گروه هشت (D-) که نظرات مصر را مورد توجه قرار داد، اظهار داشت: بیانیه گروه هشت بسیاری از نقطه‌نظرات مصر به‌ویژه در زمینه سرچشمه اصلاحات از داخل کشور و تاکید بر ملاحظات کشورها را در نظر گرفته است.

وی افزود: مصر روند اصلاحات را که تاکنون به نتایج قابل توجه و مثبتی در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی منجر شده آغاز نموده است [۱]. سایر کشورهای شورای خلیج فارس اظهارات خود را منوط به آگاهی از طرح کرده‌اند. اتحادیه مغرب عربی هم در نشست اخیر خود در بیانیه‌ای اعلام کرد: طرح رئیس‌جمهوری آمریکا موسوم به طرح خاورمیانه بزرگ، کشورهای مغرب عربی را شامل نمی‌شود و این کشورها جزو لاینفک قاره آفریقا محسوب می‌شوند که کشورهای آن در یک نهاد منسجم و غیرقابل تفکیک گرد آمده‌اند [۲].

بنابراین، در داخل جهان عرب عده‌ای معتقدند که این طرح نمی‌تواند بدون مشارکت خود مردم و از طریق یک حرکت خودجوش جنبه عملی بیابد، زیرا اصلاحات حرکتی از داخل و نه صرفاً از خارج است این در حالی است که برخی نیز معتقدند به دلیل ماهیت مستبد سران کشورهای عرب بدون دخالت مستقیم آمریکا، امکان عملی کردن اصلاحات وجود ندارد.

ملاحظات و دیدگاه‌ها پیرامون طرح:

پس از حملات ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱، سیاستمداران آمریکایی به فکر ایجاد اصلاحات در کشورهای خاورمیانه افتاده‌اند و امید دارند این تغییرات مانع از محبوبیت سازمان‌هایی نظیر القاعده در منطقه شود [۱].

در طرح خاورمیانه بزرگ، هدف ایالات متحده تحت عنوان مبارزه با تروریسم، نبرد علیه جهان اسلام انجام می‌گیرد که فرایند آن با تهاجم به عراق به بهانه برقراری دموکراسی آغاز شد. در آن روند، از کشورهای عربی دعوت به تشویق دموکراسی و حکومت‌های مناسب و ایجاد مجتمع‌های فرهنگی در طول اصلاحات آموزشی و توسعه فرصت‌های اقتصادی شد.

بوش در سفر اخیر خود به ترکیه در استانبول اظهار داشت: «آزادی و دموکراسی، آینده خاورمیانه را رقم خواهد زد. تاسیس دموکراسی در خاورمیانه بزرگ پیروزی همه جهانیان خواهد بود و انجام این مهم موجب امیدوار شدن این کشورها و مردم آنان به آینده خواهد شد.

وی برقراری دموکراسی در خاورمیانه بزرگ را موجب امنیت جهان آزاد و آمریکا خواند. به گفته بوش، هدف آمریکا از جایگزینی دموکراسی در کشورهای خاورمیانه، اجرای عدالت در آن کشورهاست که این فرموده دین اسلام است [۲].

همچنین «کالین پاول» وزیر امور خارجه آمریکا معتقد است که تعهدات آمریکا در عراق، ایجاد دولت فلسطینی و دموکراسی در خاورمیانه شکست‌ناپذیر می‌باشد و در نهایت، نتیجه رضایت بخشی خواهد داد. مردم طی زمان خواهند دید که ایالات متحده نسبت به رفاه و آسایش، آرزوها و امیدها و جاه‌طلبی کشورهای عرب معتقد است و به ویژه در زمینه آمال و آرزوهای مردم فلسطین تاکید بیشتری دارد. در صورتی که اعراب مستقر در ایالات متحده با این امر نظر موافق ندارند و چنین اظهار می‌دارند که:

قامات کاخ سفید برای نشان دادن نگرانی در زمینه بحران به وجود آمده در خاورمیانه (افغانستان، عراق، جنگ اعراب و اسرائیل) ناکام مانده‌اند و این موجب وارد آمدن خسارات عدیده به طرح‌ها و تخیلات آمریکا در خاورمیانه شده است [۱].

«جفری کمپ» عضو شورای امنیت ملی دولت «رونالد ریگان» و عضو فعلی «مرکز نیکسون» اظهار داشت: «دولت آمریکا برای سازماندهی مجدد به طرح گسترده‌ای نیاز خواهد داشت تا تاکتیک‌هایی را برای برقراری ثبات در عراق، گسترش منطقی دموکراسی در خاورمیانه و توسعه صلح بین اسرائیل و فلسطینیان به انجام برساند» [۲].

نتیجه

طرح خاورمیانه بزرگ به عنوان آغاز مرحله جدیدی دیگر از اقدامات مقامات کاخ سفید در منطقه خاورمیانه است که موجب برانگیخته شدن تحرکات کشورهای این منطقه شده است. محدوده جغرافیایی این طرح، بیانگر این مطلب است که هدف آمریکا تحت الشعاع قرار دادن حوزه تمدنی و فرهنگی جهان اسلام می‌باشد و این موضوع بیانگر آن است که آمریکا تحت لوای مبارزه با تروریسم، نبردی را علیه جهان اسلام آغاز کرده است.

در این راه، اتحادیه اروپا نیز برای نقش‌آفرینی موثرتر و بیشتر در خاورمیانه، تلاش‌های گسترده‌ای را تدارک دیده است. حضور آمریکا در عراق و افغانستان، موقعیتی بالاتر را در منطقه خاورمیانه به این کشور داده است. در مقابل آن، اروپا هم با نقش‌آفرینی خود در زمینه‌های گوناگون (حل و فصل نسبی چالش‌های هسته‌ای ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، نشست‌ها و دیدارهای بی‌شمار رهبران اروپایی از کشورهای منطقه، دیدگاه‌های اتحادیه اروپا در مورد بحران عراق و...) قابلیت‌های خود را به عرصه ظهور کشانده است. با این حال، اروپا در صدد پذیراندن طرح‌های خود به صورت نرم‌افزاری به جای سخت‌افزاری به کشورهای منطقه است.

یکی از مهم‌ترین هراس دولت‌های منطقه، ریشه در این حقیقت دارد که این طرح همانند طرح استفاده شده در اتحاد شوروی سابق و اروپای شرقی باشد، طرحی که برای فشار جهت محدود نمودن دموکراسی در این کشورها به کار رفت.

از نکات بسیار مهم طرح، آن است که رژیم صهیونیستی به بازیگر غالب در نظم نوین آمریکا در منطقه تبدیل خواهد شد. صهیونیست‌ها برخلاف اکثر کشورهای عربی، نقش کلیدی در تعیین شکل‌بندی آتی منطقه ایفا خواهند کرد. به عبارت دیگر، ایالات متحده با انجام اصلاحات روبنایی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در برخی کشورهای دست‌نشانده جهان عرب، قصد دارد تا بدین وسیله، موقعیتی را برای اسرائیل در بین کشورهای عربی اسلامی ایجاد کند.

منابع و ماخذ:

۱. روزنامه شرق، سه‌شنبه هشتم اردیبهشت ۱۳۸۳، ص ۷.
۲. کردها به دنبال جدایی کردستان از عراق، «سیاست بازتاب» ۳/۱۲/۸۲.
۳. کتاب «محیط جدید امنیتی خاورمیانه».
۴. سایت اینترنتی اخبار روز.
۵. گزارش کمیته شرق نزدیک وزارت امور خارجه آمریکا مورخه ۱۸ ژوئن ۲۰۰۳.
۶. روزنامه اعتماد، سوم اسفند ۱۳۸۲، ص ۲.
۷. گزارش کمیته شرق نزدیک وزارت امور خارجه آمریکا، همان.
۸. دورخیز اتحادیه اروپا برای خاورمیانه، خبرگزاری مهر، ۲/۱۲/۱۳۸۲.
۹. "Greater Middle East: The US WWW.Mondediplo.com Plan". April 2004.
۱۰. سازمان خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران (ایرنا). ۲/۴/۱۳۸۳.
۱۱. گزارش کمیته شرق نزدیک وزارت امور خارجه آمریکا. همان.
۱۲. سازمان خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران (ایرنا). همان.
۱۳. سازمان خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران (ایرنا). همان.

۱۴. واحد مرکزی خبر ۱۳۸۳/۳/۲۴ .
۱۵. روزنامه مردم سالاری ۸۲/۱۲/۹ .
۱۶. سازمان خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران (ایرنا) . همان .
۱۷. Com. News. "US Policy In Mideast Is [WWW.Boston](#) Faulted". June 2004
۱۸. Post. Com. "The Plant FOr Great [WWW.Washington](#) Middle East". 21 April 2004